

1. اعجاز قرآن

1.1. تعریف اعجاز

1.2. پیشینه اعجاز

1.3. وجوه اعجاز قرآن

1.4. تحدی قرآن

درس سی ام^۱ قرآن معجزه جاودانی

قال الله الحكيم في كتابه الكريم: (قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا وَكَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا)^۲.

این آیه و امثال آن^۳ هنوز هم پشتوانه قرآن است؛ یعنی دعوتی که از جن و انس برای آوردن مثل قرآن شده است فقط مخصوص زمان نزول آن نبوده، بلکه آن تحدی قرآنی هم اکنون نیز به قوت خود باقی است و همواره فریاد قرآن بلند است که اگر می‌توانید یک سوره مانند آن بیاورید.

¹ (1). این درس در جلسه ششصد و هفتاد و پنجم خارج اصول معظم له ایراد گردیده است.

² (2). [ای پیامبر!] بگو: اگر همه جن و انس گرد آیند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را کمک کنند. (اسراء: آیه 88) اخلاق فاضل؛ ص 206

³ (3). سؤال: آیا قرآن به مقابله دعوت کرده است؟

پاسخ: قرآن در چند سوره به مقابله به مثک فراخوانده است از جمله:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). (البقره: آیه 23) و اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، [دست کم] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهانتان - از غیر خدا - را [برای این کار] فراخوانید؛ اگر راست می‌گویید.

(قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). (هود، آیه 13) بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می‌توانید - از غیر خدا - [برای این کار] دعوت کنید!»
(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ). (یونس: آیه 38) می‌گویند بر خداوند افترا بسته، بگو سوره‌ای همانند آن بیاورید و هر کس - از غیر از خدا را می‌توانید [به یاری] بخوانید، اگر راست می‌گویید.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود قرآن با صراحت و قاطعیت بی‌ظنری دعوت به مبارزه کرده است، صراحت و قاطعیتی که نشانه زنده حقایق است. قرآن با بیان بسیار قاطع و صریح تمام جهانیان را که در پیوند قرآن با مبدأ جهان آفرینش تردید داشتند نه تنها به مقابله به مثل

آنجا که می‌فرماید: اگر در مورد حَقانیت و اعجاز این کتاب شک و تردید دارید (فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ) این تحدی حتی سوره کوثر را که کوچک‌ترین سوره قرآن بوده و آیاتش بسیار کوتاه است در بر می‌گیرد و (لَنْ تَفْعَلُوا)؛⁶ یک سوره کوچک مانند سوره کوثر هم نمی‌توانید بیاورید.

هم اکنون نیز این ندای قرآن بلند است و بشر با رشد و کمالی که در مسائل علمی، ادبی، فصاحت و بلاغت داشته و خواهد داشت برای همیشه از ارائه آن عاجز و ناتوان است.⁷

فراخوانده است، بلکه آنها را به مبارزه تشویق و تحریک نیز کرده است و کلمه اتی در این آیات به کار برده که به اصطلاح به غیرت آنها برخورد کند. این کلمات عبارت‌اند از:

(إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)؛ اگر راست می‌گویید.

(فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ)؛ ده سوره ساختگی مثل آن بیاورید.

(قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ... إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)؛ اگر راست می‌گویید یک سوره مانند آن بیاورید.

(وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ)؛ از غیر خداوند هر کس را می‌توانید فرا بخوانید.

(قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ)؛ اگر همه جهانیان دست به دست هم بدهند....

(لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ)؛ نمی‌توانند مانند آن را بیاورند....

(فَأْتُوا النَّارَ الْأَبَىٰ وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)؛ از آتشی بترسید که هیزم آن بدنهای مردم [گنجهکار] و سنگها است.

(فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا)؛ اگر مثل آن را نیاورید، و حال آن‌که هرگز نخواهید توانست....

با این تحریکها و تشویقها و با این که می‌دانیم این مبارزه تنها یک مبارزه ادبی یا مذهبی نبود بلکه یک مبارزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود، مبارزه‌ای بود که همه چیز حتی موجودیت آنان در گرو آن بود و به عبارت دیگر: یک مبارزه حیاتی محسوب می‌شد که مسیر و سرنوشت زندگی و مرگ آنان را روشن می‌ساخت اگر پیروز می‌شدند همه چیز داشتند و اگر مغلوب می‌شدند، باید از همه چیز خود دست بشویند. با این حال می‌بینیم که آنان در مقابل قرآن زانو زده اند و نتوانستند همانند آن را بیاورند و این معجزه بودن قرآن را می‌رساند. قابل توجه این‌که این آیات منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و تمام جهانیان و مراکز علمی دنیا را به این مبارزه فرا می‌خواند و هیچ‌گونه استثنایی در آن وجود ندارد و هم اکنون نیز به تحدی خود ادامه می‌دهد.

⁴ اخلاق فاضل، ص: 207

⁵ (1). [دست کم] یک سوره همانند آن بیاورید. (بقره: آیه 23) اخلاق فاضل، ص: 208

⁶ (1). و هرگز نخواهید کرد. (بقره: آیه 24)

⁷ (2). اقوالی در دلایل اعجاز قرآن:

متکلمان در چگونگی اعجاز قرآن هفت گروه شده‌اند:

- نخستین سخن از «سید مرتضی» است که گفته است: وجه اعجاز قرآن در این است که خداوند مردم را از معارضه با آن باز داشته و علم به چگونگی نظم و فصاحت آن را از مردم گرفته است و اگر خداوند آنان را باز نمی‌داشت می‌توانستند با آن معارضه کنند.

- شیخ مفید/ فرموده است: مردم به این جهت نتوانستند با قرآن معارضه کنند که قرآن در مرتبه خارق‌العاده فصاحت بوده و مراتب بلاغت حد و مرزی دارد، و سخنی که از آن حد گذشت، معجزه و خارق‌العاده می‌شود.

کسانی هم که در مقام تعارض بر آمده‌اند و به ادعای خودشان چیزهایی به هم بافته‌اند فقط مورد ریشخندِ متخصصان قرار گرفته‌اند^۸ و پاسخشان چیزی جز^۹ پوزخند نبوده است.^{۱۰}

-
- عده‌ای گفته‌اند: اعجاز قرآن از جهت معنای صحیح و پیوسته و موافق عقل بودن آن است.
 - جماعتی هم آن را از جهت عدم اختلال و تناقض در قرآن که هیچ کتابی عادتاً نمی‌تواند خالی از آن باشد، معجزه دانسته‌اند.
 - عده‌ای هم آن را از جهت این‌که شامل اخبار از غیب است معجزه می‌دانند.
 - برخی دیگر نیز گفته‌اند: قرآن معجزه است؛ چون نظم مخصوص به خود را دارد که مخالف معهود است.
 - اکثر معتزله گفته‌اند: تألیف و نظم قرآن معجزه است نه به جهت این‌که خدا خلقتش را از آوردن مثل آن عاجز کرده که در این صورت ممکن بود خداوند این را برطرف کند و مردم بر آن قادر می‌شدند، بلکه محال بودن وقوع آن از آنان است، مانند محال بودن ایجاد اجسام و رنگها و مانند درمان کسی که به مرض پیسی و برص گرفتار است، بدون دارو و دوا.
 - اگر بگوییم که همه این وجوه هفتگانه هر کدام یک وجه قرآن است، بهتر است.
 - ⁸ (3). گواهی دیگران درباره قرآن: در اینجا لازم است چند جمله از گفته های بزرگان و حتی کسانی را که متهم به مبارزه با قرآن هستند درباره عظمت قرآن نقل کنیم:
 - ابوالعلائی معری- متهم به مبارزه با قرآن- می‌گوید: «این سخن میان همه مردم- اعم از مسلمان غیر مسلمان- مورد اتفاق است که کتابی که محمد(ص) آورده است، عقلها را در برابر خود مغلوب ساخته و تا کنون کسی نتوانسته است مانند آن را بیاورد، سبک این کتاب با هیچ یک از سبکهای معمول میان عرب، اعم از خطابه، رجز، شعر و سجع کاهنان شباهت ندارد.
 - امتیاز و جاذبه این کتاب به قدری است که اگر یک آیه از آن، میان کلمات دیگران قرار گیرد همچون ستاره ای فروزان در شب تاریک می‌درخشد!»
 - ولید بن مغیره مخزوم مردی که به حسن تدبیر میان عرب شهرت داشت و برای حل مشکلات اجتماعی از فکر و تدبیر او در زمان جاهلیت استفاده می‌کردند و به همین جهت او را «ریحانه قریش» (گل سر سبد آنان!) می‌نامیدند. پس از این‌که چند آیه از اول سوره «غافر» را از پیامبر اکرم(ص) شنید در محفلی از طایفه بنی‌مخزوم حاضر شد و چنین گفت: به خدا سوگند! از محمد سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار انسانها دارد و نه پریان: «إن له لحلاوه وإن علیه لطلاوه وإن اعلاه لثمر وإن اسفله لمغدق وإنه یعلو و لا یعلی علیه»؛ گفتار او شیرینی خاص و زیبایی مخصوصی دارد، بالای آن (همچون شاخه‌های درختان برومند) پر ثمر، و پایین آن (مانند ریشه‌های درختان کهن) پرمایه است، گفتاری است که بر همه چیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد.
 - کارلایل، مورخ و دانشمند معروف انگلیسی درباره قرآن می‌گوید: «اگر یک بار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقایق برجسته و خصائص اسرار وجود به‌گونه‌ای در مضامین جوهره آن پرورش یافته است که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آنها نمایان است و این خود مزیت بزرگی است که تنها به قرآن اختصاص یافته و در هیچ کتاب علمی و سیاسی و اقتصادی دیگر دیده نمی‌شود. آری! خواندن برخی از کتابها تأثیر عمیقی در ذهن انسان می‌گذارد؛ ولی هرگز با تأثیر قرآن قابل مقایسه نیست، از این جهت باید گفت: مزایای اولیه قرآن و ارکان اساسی آن مربوط به حقیقت و احساسات پاک و عناوین برجسته مسایل و مضامین مهم آن است که هیچ گونه شک و تردید در آن راه نیافته و پایان تمام فضایل را که موجد تکامل و سعادت بشری است در بر داشته و آنها را به خوبی نشان می‌دهد.
 - جان دیون پورت مؤلف کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن می‌نویسد:

« قرآن به اندازه‌ای از نقائص مبرا و منزه است که نیازمند کوچک‌ترین تصحیح و اصلاحی نیست و ممکن است از اول تا آخر آن خوانده شود بدون آن‌که انسان کمترین ملالتی از آن احساس کند. و باز می‌نویسد: همه این را قبول دارند که قرآن با بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین لسان و به لهجه قبیله قریش که نجیب‌ترین و مؤدب‌ترین عربها هستند نازل شده ... و مملو از درخشنده‌ترین اشکال و محکم‌ترین تشبیهات است ...».

- گوته، شاعر و دانشمند آلمانی می‌گوید: قرآن اثری است که [احیاناً] به دلیل سنگینی عبارت آن، خواننده در ابتدا رمیده و سپس شیفته جاذبه آن می‌گردد و بالاخره بی اختیار مجذوب زیباییهای متعدد آن می‌شود.

و در جای دیگر می‌نویسد: سالیانی دراز کشیشان از خدا بی‌خبر، ما را از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن محمد (ص) دور نگاه داشته بودند؛ اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذارده ایم پرده‌های جهل و تعصب نابجا از بین می‌رود و به زودی این کتاب توصیف ناپذیر، جهان را به خود جلب کرده و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان گذاشته است. و سرانجام محور افکار مردم جهان می‌گردد! هم او می‌گوید: «ما در ابتدا از قرآن روی گردان بودیم؛ اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب کرد و ما را دچار حیرت ساخت تا آن‌جا که در برابر اصول و قوانین علمی و بزرگ آن سر تسلیم فرود آوریم».

- ویل دورانت مورخ معروف می‌گوید: قرآن در مسلمانان آن‌چنان عزت نفس و عدالت و تقوایی به وجود آورده که در هیچ یک از مناطق جهان ... شبیه و نظیر نداشته است.

- ژول لایبوم اندیشمند و نویسنده فرانسوی در کتاب تفصیل الآیات می‌گوید: دانش و علم برای جهانیان از سوی مسلمانان به دست آمد و مسلمانان علوم را از قرآنی که دریای دانش است گرفتند و نهرها از آن برای بشریت در جهان جاری ساختند ...

- دینورت مستشرق دیگری می‌نویسد: واجب است اعتراف کنیم که علوم طبیعی و فلکی و فلسفه و ریاضیات که در اروپا رواج گرفت عموماً از برکت تعلیمات قرآنی است و ما مدیون مسلمانان هستیم؛ بلکه اروپا از این جهت شهری از اسلام است.

- بانو دکتر لوراواکسیا واگلیری استاد دانشگاه ناپل در کتاب پیشرفت سریع اسلام می‌نویسد: کتاب آسمانی اسلام نمونه‌ای از اعجاز است ... قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد، نمونه سبک و اسلوب قرآن در ادبیات سابقه ندارد، تأثیری که این سبک در روح انسان ایجاد می‌کند ناشی از امتیازات و برتریهای آن است ... چطور ممکن است این کتاب اعجاز آمیز ساخته محمد (ص) باشد؛ در صورتی که او یک نفر عرب درس نخوانده‌ای بود؟ ... ما در این کتاب گنجینه‌هایی از علوم می‌بینیم که فوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین اشخاص و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست و قانون است. به همین دلیل است که قرآن نمی‌تواند کار یک فرد تحصیل کرده و دانشمند باشد. (تفسیر نمونه، ج 1، ص 125)

⁹ . اخلاق فاضل، ص: 210

¹⁰ (1). سؤال: از کجا معلوم که دیگران سوره‌ای مانند قرآن نیاورده‌اند؟

پاسخ: نظری به تاریخ اسلام پاسخ این سؤال را روشن می‌سازد؛ زیرا در داخل کشورهای اسلامی در زمان پیامبر (ص) و پس از او حتی در خود مکه و مدینه مسیحیان و یهودیان سرسخت و متعصبی می‌زیسته‌اند که برای تضعیف مسلمانان از هر فرصتی استفاده می‌کردند. به علاوه در میان مسلمانان جمعی مسلمان نما که قرآن مجید آنان را منافق نامیده زندگی می‌کردند که نقش جاسوسی بیگانگان را داشتند (مانند آنچه درباره ابو عامر راهب و همدستان او از منافقان مدینه و چگونگی ارتباط آنان با امپراطور روم در تواریخ نقل شده که به ساختن مسجد ضرار در مدینه انجامید و آن صحنه عجیبی را که قرآن در سوره توبه به آن اشاره کرده است به وجود آورد). مسلماً این دسته از منافقان و آن عده از دشمنان متعصب و سرسخت که به دقت مراقب اوضاع مسلمانان بودند و از هر جریانی که به زیان مسلمانان بود استقبال می‌کردند اگر به سوره‌ای که ساخته بشر یا سایر مخلوقات است دست یافته بودند برای درهم شکستن مسلمانان تا آنجا که می‌توانستند آن را نشر می‌دادند یا لا اقل در حفظ و نگهداری اش می‌کوشیدند. لذا می‌بینیم حتی افرادی که به احتمال ضعیفی ممکن است به معارضه با قرآن برخاسته باشند، تاریخ نام آنها را ضبط کرده است، از جمله:

بنابراین، نه تاکنون کسی توانسته است در مقابل فریاد مبارزطلبی قرآن به مبارزه برخیزد، و نه از این پس خواهد توانست.^{۱۱}

نام عبد الله بن مقفع را برده اند که او کتاب « الدرہ الیتمہ » را به همین منظور نوشته است. در صورتی که کتاب مزبور هم اکنون در اختیار ما است و چندین بار چاپ شده و کوچکترین اشاره‌ای در آن کتاب به این مطلب نشده است و نمی‌دانیم چطور این نسبت را به او داده‌اند؟ نام متنبی احمد بن حسین کوفی شاعر را نیز در این زمره ذکر کرده اند که ادعای نبوت کرده است؛ در صورتی که قرائن زیادی نشان می‌دهد که انگیزه او بیشتر بلندپروازی، محرومیت‌های خانوادگی و حس جاه‌طلبی بوده است.

ابو العالی معری نیز متهم به این امر شده است، گر چه از او سخنان زنده ای نسبت به اسلام نقل شده اما هیچ وقت داعیه مبارزه با قرآن را نداشته است بلکه جملات جالبی درباره عظمت قرآن گفته است.

ولی مسیلمه کذاب از مردم یمامه مسلماً از کسانی است که به مبارزه با قرآن برخاسته و به اصطلاح آیاتی آورده است که جنبه تفریحی آن بیشتر است. ذکر چند جمله از آنها در اینجا جالب است:

در برابر سوره ذاریات، این جمله‌ها را آورده است:

و المبذرات بذرا و الحاصدات حصدا و الذاریات قمحا و الطاحنات طحنا و العاجنات عجنا و الخابزات خبزنا و الثاردات ثردا و اللاقمات لقمنا اهاله و سمننا؛ قسم به دهقانان و کشاورزان، قسم به درو کنندگان، قسم به جدا کنندگان کاه از گندم، قسم به جدا کنندگان گندم از کاه. قسم به خمیر کنندگان، قسم به نان‌پزندگان، قسم به ترید کنندگان، قسم به آن کسانی که لقمه‌های چرب و نرم بر می‌دارند!

- یا ضفدع بنت ضفدع، نقی ما تعقین، نصفک فی الماء و نصفک فی الطین، لا الماء تکدرین و لا الشارب تمنعین.

ای قورباغه دختر قورباغه! آنچه می‌خواهی صدا کن! نیمی از تو در آب و نیمی دیگر در گل است، نه آب را گل آلود می‌کند و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می‌کند. (إعلام الوری بأعلام الهدی، فصل فی ما ظهر بعد بعثته، ص: 19) اخلاق فاضل، ص: 211

11 (1). سؤال: حضرت رسول (ص) از معاصران خود فصیح تر بوده و دیگران چون فصاحت و بلاغتشان به اندازه او نبوده است، از این جهت نتوانستند مانند کلام او را بیاورند یا این‌که چون پیامبر (ص) مدت کمی در دنیا زندگی کرد، لذا فرصت پیدا نشد تا با او معارضه نمایند. پاسخ: دو نظریه فوق مردود است و توسل به عدم فصاحت مخالفان و تنگی وقت موردی ندارد.

الف- نبی اکرم با تمام فصحای عرب که در حجاز و نجد و سایر نواحی شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند تحلی کرده و آنان را به معارضه با قرآن دعوت فرموده است ممکن است فصحای زمان حضرت رسول (ص) در تمام موارد نمی‌توانستند با قرآن معارضه کنند و مانند آن را بیاورند؛ اما در یک مورد خاص که می‌توانستند با آن معارضه کنند. پیامبر با زبان و لغت قومش با آنان سخن می‌گفت و مخالفان خود را به آوردن یک سوره مانند قرآن دعوت می‌کرد و می‌فرمود: اگر یک سوره مانند قرآن بیاورید من از دعوت خود دست برمی‌دارم، قاعده طبیعی این است که با شخص فصیح در همه موارد فصاحت نمی‌توان معارضه کرد ولی در یک مورد به خصوص این قاعده مستثنا است. ما می‌گوییم فلان شاعر در قرن چهارم از همه شاعران فصیح تر است و کسی مانند آن شعر نسروده است؛ ولی در قرن پنجم شاعر دیگری به ظهور رسیده که در یک مورد خاص از آن شاعر بهتر شعر سروده است. مخالفان پیامبر (ص) نیز اگر قدرت داشتند لااقل در یک مورد می‌توانستند با آن جناب معارضه کنند؛ بنا بر این معلوم است که قرآن در تمام موارد معجزه است و کسی را برای آوردن آن مانند آن نیست.

ب- اما در مورد دوم که می‌گویند: پیامبر (ص) مدت کمی در دنیا زندگی کرد و مخالفان فرصت نکردند با قرآن معارضه کنند، جواب این است که مخالفان می‌توانستند در زمان‌های بعد با قرآن معارضه کنند، قرآن هنوز هم فریاد می‌زند که یک سوره مانند من بیاورید، پس هرگاه ثابت شد که قرآن خرق عادت کرده است این از دو جهت بیرون نیست: یا قرآن با فصاحت خود فصحای عرب را از آوردن آن ناتوان ساخته است یا این‌که خداوند آنان را از معارضه آن باز داشته است.

معجزه‌هایی^{۱۲} از قبیل: ازدها شدن عصا، زنده کردن مرده‌ها، نجات دادن (الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ)^{۱۳} و ... که در زمان دیگر انبیای عظام مانند حضرت موسی و حضرت عیسی علی نبینا وآله وعلیهم السلام بوده، قابلیت بقا و ماندگاری را ندارد. امکان تحقق و دوام این معجزات تا زمانی است که آن پیامبر و صاحب معجزه، زنده است؛ اما پس از رحلت آن پیامبر، معجزات او نیز به اتمام خواهد رسید و دیگر امکان بقا نخواهد داشت.

ولی اسلام دین همیشگی و جاودانه است و باید تا روز قیامت باقی بماند و دینی که هدفش دوام و بقا است، می‌بایست معجزه ای همیشگی داشته باشد. از این رو، چیزی جز کتاب این خصوصیت را ندارد.^{۱۵}

در هر دو صورت، صحت نبوت حضرت رسول (ص) و اعجاز قرآن ثابت است؛ زیرا خداوند هیچ دروغگویی را تصدیق نمی‌کند و برای مدعیان به باطل خرق عادت نمی‌فرماید. اخلاق فاضل، ص: 212

¹² (1). چرا پیامبران به معجزه نیاز دارند؟

منصب نبوت و پیامبری بزرگ‌ترین منصبی است که به عده‌ای از پاکان عطا شده است؛ زیرا مناصب و مقام‌های دیگر معمولاً بر جسم افراد جامعه حکومت می‌کنند؛ ولی منصب نبوت منصبی است که بر جان و دل جامعه‌ها حکومت می‌کند؛ لذا به همان نسبت که ارزش بیشتری دارد مدعیان کاذب و افراد شیاد بیشتری، ادعای داشتن چنین منصبی را می‌کنند و از آن سوء استفاده می‌کنند. در این جا مردم یا باید ادعای هر کس را که چنین ادعایی می‌کند بپذیرند و یا دعوت همه را رد کنند، اگر همه را بپذیرند، پیدا است که چه هرج و مرجی به وجود می‌آید و دین خدا به چه صورت جلوه خواهد کرد. و اگر هیچ کدام را نپذیرند آن هم نتیجه‌اش گمراهی و عقب‌ماندگی است؛ بنابراین همان دلیلی که اصل بعثت پیامبران را الزامی می‌شمارد می‌گوید پیامبران راستین باید نشانه‌ای همراه خود داشته باشند که علامت امتیاز آنان از مدعیان دروغین و سند حقانیت آنان باشد. به خاطر همین اصل، لازم است هر پیامبری معجزه ای بیاورد تا گواه صدق رسالت او باشد و همان گونه که از لفظ «معجزه» پیدا است، پیامبر باید قدرت بر انجام اعمال خارق‌العاده‌ای داشته باشد که دیگران از انجام آن عاجز باشند.

¹³. اخلاق فاضل، ص: 213

¹⁴ (1). کور مادرزاد و مبتلایان به برص [پسی]. (آل عمران: آیه 49)

¹⁵ (2). فلسفه گوناگون بودن معجزات پیامبران::

می‌گویند: خداوند متعال معجزه هر پیامبری را از جنس چیزی که قومش در آن پیشرفت کرده‌اند قرار می‌دهد؛ چنانچه در زمان حضرت موسی علی نبینا و (ع) «سحر» مورد توجه غالب مردم بود و خداوند هم معجزه او را از این قبیل قرار داد و در دست آن حضرت «عصا» را به «مار» تبدیل کرد و برای او «ید بیضاء» و معجزات دیگری قرار داد، پس مردم آن زمان فهمیدند که این سحر نیست و به او ایمان آوردند و همچنین در زمان حضرت عیسی (ع) «طب» رایج بود و معجزه او نیز از این قبیل بود و خداوند به دست او مرده را زنده کرد و کور و مرض پسی را شفا داد؛ از این رو، مردم آن زمان فهمیدند که با طب رایج نمی‌شود به این کارها دست یافت؛ لذا به حضرت عیسی (ع) ایمان آوردند.

کتاب است که می تواند باقی باشد، خصوصاً کتابی که معجزه است و تحدی^{۱۶} آن^{۱۷} اختصاص به یک برهه از زمان ندارد بلکه تا همیشه تاریخ خواهد بود.^{۱۸} والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته^{۱۹}

و در زمان پیامبر اکرم (ص) فصاحت و بلاغت رواج داشت. در حدی که تنها بدان وسیله به یکدیگر فخر فروشی می کردند، خداوند متعال هم معجزه پیامبر را در فصاحت و بلاغت قرار داد و قرآنی بر او فرستاد که فصیحان فهمیدند که این کلام از جنس کلام بشر نیست و به آن ایمان آوردند؛ از این رو، فصیحان و شاعرانی مانند قیس بن زهیر و کعب بن زهیر به قرآن ایمان آوردند و «اعشی» هم آمد و رسول خدا (ص) را به قصیده معروفش مدح کرد و خواست ایمان بیاورد؛ ولی قریش نگذاشتند و بدترین چیزها را که می توانستند در حق او روا می داشتند و می گفتند: «اسلام»، زنا و شرابخواری را برای تو حرام و ممنوع می کند. او گفت: من پیر شدم و به زنا نیازی ندارم. آن گاه از او خواستند شعری را که در مدح پیامبر سروده است برای آنان بخواند، او هم خواند. قریشیان گفتند: اگر این شعر را بخوانی پیامبر از تو نمی پذیرد، کوشیدند تا این که مانعش شدند. اعشی گفت: به یمامه می روم و امسال را در آنجا می مانم، رفت و مدت کمی زندگی کرد و از دنیا رفت. «لبید» نیز آمد و به پیامبر ایمان آورد و برای احترام به قرآن، شعر گفتن را ترک کرد. به او گفتند: دو بیت قصیده ای که گفته ای چه شد؟ در پاسخ گفت: خداوند به عوض آن سوره بقره و آل عمران را به من داده است.

علت این که قرآن به عنوان سند زنده حقانیت پیامبر اسلام (ص) و معجزه بزرگ او از میان تمام معجزاتش برگزیده شده این است که قرآن معجزه ای گویا، جامع، جاودانی، جهانی و روحانی است. پیامبران پیشین می بایست همراه معجزات خود باشند و برای اثبات اعجاز آنها مخالفان را دعوت به مقابله به مثل کنند؛ در حقیقت معجزات آنان زبان نداشت و گفتار پیامبران آن را تکمیل می کرد، این گفته در مورد معجزات دیگر پیامبر اسلام (ص) غیر از قرآن نیز صادق است؛ ولی قرآن معجزه ای گویا است و نیازی به معرفی ندارد، خودش به سوی خود دعوت می کند، مخالفان را به مبارزه می خواند، محکوم می سازد و پیروز میدان مبارزه، می شود. به همین دلیل پس از گذشت قرنها از وفات پیامبر (ص) - همانند زمان حیات او - به دعوت خود ادامه می دهد، هم دین است و هم معجزه، هم قانون است و هم سند قانون. قرآن مرز زمان و مکان را در هم شکسته و ما فوق زمان و مکان قرار گرفته است، به خاطر این که معجزات پیامبران گذشته و حتی معجزات خود پیامبر اسلام - غیر از قرآن - در برهه ای از زمان، و در نقطه مشخصی از مکان و در برابر عده خاصی صورت گرفته است، سخن گفتن نوزاد مریم (ع) و زنده کردن مردگان و مانند آن توسط عیسی مسیح (ع) در زمان و مکانی خاص و در برابر اشخاص معینی بوده و چنان که می دانیم، اموری که رنگ زمان و مکان به خود گرفته باشند، به ه مان نسبت که از آنها دورتر شویم، کم رنگ تر جلوه می کنند و این از خواص امور زمانی است؛ ولی قرآن، بستگی به زمان و مکان ندارد و هم چنان به همان قیافه ای که 1400 سال قبل در محیط تاریک حجاز تجلی کرد، امروز بر ما تجلی می کند بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده که بتوانیم استفاده بیشتری از آن ببریم. پیدا است هر چه رنگ زمان و مکان به خود نگیرد تا ابد و در سراسر جهان پیش خواهد رفت، بدیهی است که پیامبر خاتم که رسالتش جهانی و شریعتش جاودانی است

باید یک سند حقانیت جهانی و جاودانی هم در اختیار داشته باشد. اخلاق فاضل، ص: 214

¹⁶ (1) «تحدی» به معنای تعجیز عمومی و جهانی و دعوت به مبارزه برای آوردن همانندی برای چیزی می باشد. پیامبری که دارای معجزه است لازم است مردم را به مقابله به مثل دعوت کند، او باید معجزه خویش را علامت و نشانه درستی ادعای نبوت خود معرفی کند تا اگر دیگران می توانند همانند آن را بیاورند، این کار را در اصطلاح «تحدی» می گویند. معجزات حضرت رسول (ص) که پس از بعثت و اظهار نبوت ایشان به ظهور رسیده بر دو نوع است: اول قرآن کریم است که پیامبر اکرم (ص) بدان وسیله تحدی کرده است. دوم معجزات دیگری است که از ایشان به معرض بروز و ظهور رسیده است. حضرت رسول (ص) به وسیله این قرآن با عرب تحدی کرد و در تمام دوران

- 1.5. مراحل تحدی
- 1.6. ابعاد اعجاز
- 1.7. اعجاز بیلنی
- 1.8. تناسب آیات و سور
- 1.9. فواصل
- 1.10. سجع
- 1.11. فواتح و خواتیم سور
- 1.12. اعجاز علمی
- 1.13. اعجاز تشریعی

زندگانی خود مردم را به آوردن مانند آن فراخواند . اعراب نتوانستند با قرآن معارضه کنند؛ زیرا از معارضه و آوردن مثل آیات شریفه قرآن عاجز بودند، این عدم معارضه و عجز آنان بزرگ‌ترین دلیل بر اعجاز قرآن است، مقصود از تحدی به قرآن این است که آن حضرت می‌فرمود: جبرئیل بر من نازل می‌شود و کلماتی را از طرف خداوند بر من قرائت می‌کند، اینک اگر شما قادرید، مانند آن را بیاورید . و همچنین آیات قرآن صراحت دارند که آن حضرت به قرآن تحدی کرده است، ... دلیل عدم معارضه از این جا معلوم است که در این مورد چیزی نقل نشده است، اگر اعراب با قرآن معارضه کرده بودند، گفته‌های آنان برای ما نقل می‌شد و چون نقل نگردیده پیدا است که معارضه‌ای در کار نبوده است. (إعلام الوری بأعلام الهدی، فصل فی ما ظهر بعد بعثته، ص 19)

¹⁷ . اخلاق فاضل، ص: 215

¹⁸ (1). امور خارق‌العاده‌ای که از پیامبران پیشین به عنوان گواه صدق ادعای نبوت آنان دیده شده معمولاً جنبه جسمانی دارد؛ از جمله شفای بیماران غیر قابل علاج، زنده کردن مردگان، سخن گفتن کودک نوزاد در گاهواره و ... که همگی جنبه جسمی دارند و چشم و گوش انسان را تسخیر می‌کنند؛ ولی الفاظ قرآن که از همین حروف و کلمات معمولی ترکیب یافته در اعماق دل و جان انسان نفوذ می‌کند، روح او را مملو از اعجاب و تحسین می‌سازد، افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می‌کند و معجزه‌ای است که تنها با مغزها و اندیشه‌ها و ارواح انسانها سر و کار دارد. به یقین برتری چنین معجزه‌ای بر معجزات جسمانی احتیاج به توضیح ندارد.

¹⁹ فاضل موحدی لنکرانی، محمد، اخلاق فاضل، 1جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) - قم، چاپ: اول، 1389 ه.ش. اخلاق فاضل ؛ ص216